# شرط دهم: لزوم فاصله بین مرد و زن نمازگزار

## جلسه 88-440

**چهار‌شنبه - 28/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به شرط دهم از شرائط مکان مصلی بود که صاحب عروه فرمود ان لایصلی الرجل و المرأة فی مکان واحد بحیث تکون المرأة مقدمة علی الرجل أو مساویة له الا مع الحائل أو البعد عشرة اذرع.

فرمود: شرط مکان مصلی این است که اگر زن در کنار مرد یا جلوتر از او نماز می‌‌خواند، فاصله‌شان ده ذراع باشد که حدودا چهار متر و نیم است. البته اگر حائلی بین‌شان باشد مراعات این فاصله لازم نیست.

قبل از این‌که وارد این بحث بشویم یک نکته‌ای که مورد غفلت برخی از بزرگان قرار گرفته عرض کنم:

این حکم مختص به غیر مکه است. در مکه در مسجد الحرام یا اماکنی که محل ازدحام است در مکه رعایت فاصله بین زن و مرد در نماز لازم نیست. این‌که در استفتاءات از مرحوم آقای خوئی نقل شده که باید در آن‌جا هم رعایت فاصله بشود که البته ایشان همان‌طور که خواهیم گفت یک وجب فاصله میان زن و مرد را کافی می‌‌دانند، ‌در آن‌جا هم فرمودند این فاصله رعایت بشود این وجهی ندارد. برای این‌که در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 126 در صحیحه فضیل از امام باقر علیه السلام نقل کرده: انما سمیت بکة لانه تبک فیها الرجال و النساء، علت این‌که نام مکه را بکه گذاشتند چون زن و مرد در آن‌جا به هم‌دیگر تنه می‌‌زنند و المرأة تصلی بین یدیک و عن یمینک و عن یسارک و معک و لابأس بذلک و انما یکره فی سائر البلدان.

راجع به رعایت فاصله بین زن و مرد در نماز، منسوب به مشهور قدماء لزوم رعایت این فاصله است. و مشهور بین متاخرین این است که مکروه است با کمتر از این فاصله زن و مرد در کنار هم نماز بخوانند ولی حرام نیست. که امام قدس سره هم قائل به کراهت شدند.

از جعفی که یکی از فقهاء شیعه است نقل شده که فرمودند:‌ رعایت فاصله به اندازه یک وجب لازم است اگر زن جلوتر از مرد و یا در کنار مرد نماز بخواند. و اگر یک وجب فاصله باشد تا ده ذراع نماز صحیح است ولی مکروه است، بیشتر از ده ذراع که فاصله بشود کراهت هم برطرف می‌‌شود. که مرحوم آقای خوئی این نظر را اختیار کردند.

منشأ اختلاف بین فقهاء اختلاف اخبار است. این اخبار بر چهار طائفه تقسیم می‌‌شود:

طائفه اول اخباری است که مطلقا نهی کرده از نماز مرد و زن در کنار هم.

مثل صحیحه ادریس بن عبدالله قمی قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یصلی و بحیاله امرأة قائمة علی فراشها جنبا فقال ان کانت قاعدة فلایضرک و ان کانت تصلی فلا. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 121.

و یا صحیحه زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌‌کند سألته عن المرأة تصلی عند الرجل فقال لاتصل المرأة بحیال الرجل الا ان یکون قدامها و لو بصدره. زن در کنار مرد نماز نخواند مگر مرد جلوتر از زن باشد و لو به مقدار سینه‌اش که وقتی سجده می‌‌رود سینه‌اش جلوتر از زن باشد کافی است یعنی سر زن در کنار زانوهای مرد باشد و سینه مرد جلوتر باشد مشکل نیست. این هم در وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 127 نقل شده.

یا در صحیحه محمد بن مسلم دارد المرأة تزامل الرجل فی المحمل یصلیان جمیعا قال لا و لکن یصلی الرجل فاذا فرغ صلت المرأة. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 124.

طائفه دوم روایاتی است که مفادش جواز صلات زن در کنار مرد است.

یکی مرسله حسن بن علی بن فضال است عمن اخبره عن جمیل بن دراج عن ابی عبدالله علیه السلام فی الرجل یصلی و المرأة تصلی بحذاه قال لابأس. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 125.

سند این روایت ضعیف است چون مرسله است و لکن مرحوم شیخ انصاری در کتاب الصلاة صفحه 36 فرمودند می‌‌شود این روایت را تصحیح کرد. چرا؟ چون راوی آن ابن فضال است و نقل شده از حسین بن روح که از او سؤال شد راجع به کتب شلمغانی با کتاب‌های او چه بکنیم؟ او گفت اقول فیها ما قال ابومحمد الحسن بن علی علیهما السلام و قد سئل عن کتب بنی فضال فقالوا کیف نعمل بکتبهم و بیوتنا منها ملاء فقال علیه السلام خذوا منها بما رووا و ذروا ما رأوا. کتاب الغیبة صفحه 389 و صفحه 355. مرحوم شیخ انصاری فرمودند اطلاق خذوا بما رووا شامل تمام روایات بنی فضال می‌‌شود و لو واسطه میان این‌ها و امام علیه السلام مجهول باشد.

انصافا این مطلب درست نیست. اولا خود این نقل از حسین بن روح سندش ضعیف است. عبدالله کوفی خادم حسین بن روح نقل می‌‌کند که او مجهول است. ثانیا: ظاهر خذوا ما رووا و ذورا ما رأوا یعنی فساد عقیده بنی فضال مانع از عمل به روایات این‌ها نیست چون این‌ها ثقه هستند نه این‌که فساد عقیده این‌ها نه تنها مانع نیست بلکه ما می‌‌گوییم منشأ هست که ما روایات این‌ها را عمل کنیم مطلقا، این غیر عرفی است چون نیاز دارد به یک استقراء که بنی فضال مسندا و مرسلا از ضعیف نقل نمی‌کردند و این خلاف ظاهر تعبیر خذوا بما رووا و ذروا ما رأوا است. ظاهر این تعبیر این است که می‌‌خواهد بگوید روایات‌شان را عمل کنید یعنی این‌ها ثقه هستند، ‌فساد عقیده این‌ها مانع از عمل به روایات این‌ها نباشد. و لذا این روایت سندش ضعیف است.

اما روایت دیگری داریم که او سندش صحیح است صحیحه جمیل عن ابی عبدالله علیه السلام لابأس ان تصلی المرأة بحذء الرجل و هو یصلی فان النبی صلی الله علیه و آله کان یصلی و کانت عائشة مضطجعة بین یدیه و هی حائض و کان اذا اراد ان یسجد غمض رجلیها فرفعت رجلیها حتی یسجد. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 122.

این روایت سندش خوب است ولی اشکالی که به این روایت گرفته شده این است که این تعلیل تناسب ندارد با حکم و این منشأ اضطراب روایت می‌‌شود. بفرماید که مانعی ندارد که زن در کنار مرد نماز بخواند در حالی که مرد مشغول نماز است زن هم در کنار او مشغول نماز باشد چون پیامبر وقتی می‌‌خواست نماز بخواند عایشه در کنارش خوابیده بود، ‌در حالی که او حائض بود، این تعلیل چه تناسبی دارد با آن حکم. و لذا برخی مثل صاحب وافی گفتند محتمل است که این لابأس ان تصلی المرأة‌ بحذاء الرجل و هو یصلی تصحیف ان لاتضطجع المرأة‌ بحذاء الرجل و هو یصلی باشد بلکه گفتند در وافی که صحیح این عبارت است. و لکن اشکال این کلام وافی این است که هیچ کجا به جای تصلی تضطجع نقل نشده و اصلا تناسب ندارد که تصلی تصحیف تضطجع باشد با هم شباهت ندارند.

یا باید توجیه کنیم این تعلیل را بگوییم منشأ شبهه این‌که می‌‌گفتند زن در کنار مرد با هم نماز نخوانند در ذهن عامه این بوده که زن و لو نماز هم نخواند در کنار مرد موقع نماز خواندن مرد نباشد. امام علیه السلام فرمودند این حرف‌ها درست نیست. یا این‌که فوقش این است که بگوییم ما این تعلیل را نمی‌فهمیم مانع نمی‌شود که به صدر روایت اخذ بکنیم.

این هم طائفه ثانیه که دال بر جواز صلات مرأه بود در کنار مرد.

طائفه ثالثه روایاتی است که فرموده اگر ده ذراع فاصله بشود میان زن و مرد اشکال ندارد نماز‌شان با این فاصله. که عمدتا موثقه عمار است عن ابی عبدالله علیه السلام انه سئل عن الرجل یستقیم له ان یصلی و بین یدیه امرأة تصلی؟ قال لایصلی حتی یجعل بینه و بینها اکثر من عشرة اذرع و ان کانت عن یمینه و عن یساره جعل بینه و بینها مثل ذلک فان کانت تصلی خلفه فلابأس. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 128.

طبیعی است که اگر ما بودیم و این سه طائفه می‌‌گفتیم که فاصله میان زن و مرد در نماز باید ده ذراع یعنی چهار متر و نیم باشد اگر زن بخواند در کنار مرد یا جلوتر از مرد نماز بخواند.

ولی طائفه رابعه‌ای هست که آن طائفه رابعه فاصله به مقدار یک شبر را مطرح کرده. فاصله به مقدار یک وجب را مطرح کرده.

یکی صحیحه معاویة ‌بن وهب است عن ابی عبدالله علیه السلام انه سأله عن الرجل و المرأة یصلیان فی بیت واحد فقال اذا کان بینهما قدر شبر صلت بحذاه وحدها و هو وحده و لابأس. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 125. فرمود اگر فاصله بین این دو یک وجب باشد مشکل ندارد در کنار هم نماز بخوانند.

و همین‌طور صحیحه زراره عن ابی جعفر علیه السلام اذا کان بینها و بینه ما لایتخطی او قدر عظم الذراع فصاعدا فلابأس. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 125. قدر عظم ذراع همان‌طور که در کلمات برخی از فقهاء هم آمدند همین حدودا یک وجب است.

روایت سوم روایتی است که شیخ طوسی نقل می‌‌کند از ابی بصیر لیث مرادی سألته عن الرجل و المرأة‌ یصلیان فی بیت واحد المرأة عن یمین الرجل بحذاه قال لا الا ان یکون بینها شبر أو ذراع. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 124.

روایت دیگر هم صحیحه محمد بن مسلم است. عن احدهما علیهما السلام سألته عن الرجل یصلی فی زاویة الحجرة و امرأته أو ابنته تصلی بحذاه فی الزاویة‌ الأخری قال لاینبغی ذلک فان کان بینهما شبر اجزأه. در ادامه دارد یعنی اذا کان الرجل متقدما للمرأة بشبر. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 123.

این روایت اخیر یک مقدار اضطراب در آن هست. این یعنی اذا کان الرجل متقدما للمرأة بشبر در تهذیب آمده، ‌در کافی این نیست. مشکل این روایت این است که فرض این است که در این روایت مرد یک طرف زاویه حجره نماز می‌‌خواند زن یا دخترش در زاویه دیگر نماز می‌‌خواند حضرت فرمود این درست نیست باید بین این‌ها یک وجب فاصله باشد. مگر می‌‌شود در یک حجره زن در یک زاویه نماز بخواند مرد یک زاویه دیگر و بین‌شان یک شبر فاصله نشود؟ و لذا شاید این منشأ شده که شیخ توجیه کرده که مراد این است که اذا کان الرجل متقدما للمرأة‌ بشبر. و محتمل هم هست که اصلا این ان کان بینهما شبر اجزأة نباشد، در بعض نسخ کافی آمده ان کان بینهما ستر اجزأه. اگر حائلی بین این دو بود مانعی ندارد. که دیگه مورد بحث ما نخواهد بود، از مورد بحث ما خارج می‌‌شود.

بهرحال مجموع این روایات طائفه رابعه که در آن روایات صحیحه هم بود اقتضاء می‌‌کند که فاصله به یک شبر بین زن و مرد لازم باشد.

مرحوم آقای خوئی فرمودند ما طبق این طائفه رابعه عمل می‌‌کنیم و می‌‌گوییم فاصله یک شبر لازم است و این طائفه رابعه اقتضاء می‌‌کند طائفه ثالثه را که می‌‌فرمود نماز نخوانند با فاصله کمتر از ده ذراع حمل بر کراهت بکنیم نتیجه این می‌‌شود لزوم فصل به شبر بین زن و مرد که در کنار هم نماز می‌‌خوانند یا زن جلوتر نماز می‌‌خوانند، ‌اگر یک شبر فاصله بود تا ده ذراع فاصله کمتر بود مکروه است بیشتر از ده ذراع کراهت هم برطرف می‌‌شود همان‌طور که جعفی فتوی داده.

مشهور متاخرین ظاهرا بخاطر این اختلاف روایات گفتند معلوم می‌‌شود حکم تنزیهی است. یک مبنایی دارند برخی از متاخرین از جمله محقق همدانی، می‌‌گویند اگر اختلاف در تحدید در روایات بود، می‌‌فهمیم این حکم تنزیهی است حکم الزامی نیست که این مقدار اختلاف در تحدیدش هست. مثلا در باب استظهار، در زنی که ایام عادتش می‌‌گذرد ولی هنوز خون می‌‌بیند که می‌‌گویند برخی از روایات می‌‌گویند استظهار بکند یعنی بناء را بر حیض بگذارد عملا اگر احتمال می‌‌دهد این خون از ده روز تجاوز می‌‌کند بعد اگر خون قبل از ده روز قطع شد معلوم می‌‌شود همه‌اش حیض بود اگر از ده روز تجاوز کرد معلوم می‌‌شود آن ایام استظهارش مستحاضه بوده نمازهایش را قضا می‌‌کند. ولی مشهور متاخرین گفتند روایات استظاهر خیلی اختلاف دارد یکی دارد تستظهر بیوم یکی دارد تستظهر بیوم أو یومین یکی دارد تستظهر بثلاثة ایام یکی دارد تستظهر بعشرة ایام. معلوم می‌‌شود حکم استحبابی است. همآن‌جا مرحوم آقای خوئی فرمود چرا؟ استظهار بیومین امر دارد ظاهر امر وجوب است دلیل بر ترخیص هم نداریم. بله تستظهر بیوم قرینه می‌‌شود مازاد بر استظهار یک روز را حمل بر استحباب بکنیم.

این‌جا هم همین بیان می‌اید. مثل محقق همدانی و مشهور متاخرین قائل به کراهت شدند، شاید منشأش همین اختلاف روایات باشد یکی می‌‌گوید عشرة اذرع یکی می‌‌گوید شبر، ‌این معنایش این است که این حکم الزامی نیست. طبعا مرحوم آقای خوئی این‌جا هم اشکال می‌‌کند می‌‌گوید نسبت به مقدار شبر که ما ترخیص در ترک نداریم باید رعایت کنیم، نسبت به مازادش ترخیص در ترک داریم حمل بر کراهت می‌‌کنیم، نماز خواندن با فاصله یک شبر و کمتر از ده ذراع می‌‌گوییم مکروه است اگر بین زن و مرد کمتر از ده ذراع فاصله بشود در حال نماز مکروه است ولی به مقدار شبر باید فاصله باشد.

آقای سیستانی راجع به این روایات طائفه رابعه اشکالاتی دارند و بر اساس این اشکال‌ها فرمودند این طائفه رابعه مربوط به بحث ما نمی‌شود، ما هستیم و سه طائفه اول که مقتضای جمع بین آن‌ها این بود که بگوییم طبق طائفه ثالثه فاصله ده ذراع لازم است. و لذا ایشان احتیاط واجب کردند این مقدار فاصله رعایت بشود، ‌چهار متر و نیم که ده ذراع است رعایت فاصله لازم است مگر این‌که مرد جلوتر از زن بایستد به همان مقدار سینه‌اش یعنی در سجده سر زن مساوی رکبتین مرد باشد اشکال ندارد.

چرا ایشان فرمودند این طائفه رابعه قابل استدلال در مقام نیست ان‌شاءالله بعد از تعطیلات روز سه‌شنبه بحث را به همین ترتیب دنبال می‌‌کنیم.

شما را به خدا می‌‌سپاریم و از خدا می‌‌خواهیم این ابتلائاتی که این روز‌ها مردم به آن مبتلا هستند به رحمت واسعه الهی از سر مردم برداشته بشود و خداوند صحت و عافیت را برای مؤمنین ارزانی کند بحق محمد و آله الطاهرین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.